

سیر تحول

بانکداری

در ایران (۱)

در این مقاله کوشش می شود تا تحولات و سیر تکوینی بانکداری در ایران از زمان پیدایش تا سال های اخیر به اختصار مورد بررسی قرار گیرد. بانک وسیله ای برای کنترل فعالیتهای مالی و اقتصادی است (ضرب سکه بوسیله بانک شاهی به عنوان مثال ۱۲۷۸ - ۱۲۶۸) که در ایران پس از سالهای ۱۲۴۰ بمنزله ابزاری در جریان سرمایه گذاری و انباشت پولی به کار گرفته می شود. گسترش بانکداری در ایران با دگرگونی نظام اقتصادی اجتماعی و تولد سرمایه داری همراه است. بانک به عنوان ابزار به حرکت درآورنده سرمایه پولی در خدمت توسعه این نظام به کار گرفته می شود. افزایش سرمایه ایجاد موسسه و نهادهای را که پول غیرمولد را به سرمایه مولد کرده و آنرا در مجرای بازرگانی، صنایع و کلیه فعالیت های اقتصادی سودآور به جریان اندازد، ضروری می سازد. در جریان رونق اقتصادی، سرمایه سیستم بانکی برای سرمایه گذاری در حوزة های مختلف تولید به کار گرفته می شود. در دوران رکود، بانک به تصرف و ضبط کارگاههای کوچک ارهستی ساقط شده می پردازد. در این مرحله بانک در فرآیند

تجمع و تمرکز سرمایه شرکت می جوید. علاوه بر این بانک سرمایه -
گذاری در حوزه های سودآور را جهت می دهد. علیرغم اختلاف میان
سرمایه بانکی^(۱) و سرمایه صنعتی در عصر شرکتهای چندملیتی هردونوع
سرمایه به شکل متفاوتی مورد بهره برداری نظام قرار می گیرند. در واقع
می توان تصور بانک را نمودار نوسانات روند اقتصادی تصور کرد.
برای درک نقش سرمایه پولی و رابطه آن با اقتصاد ایران از
طریق بانک ها، لازم است نظری اجمالی به تاریخ تحولات بانکی
بیانداریم. به منظور بررسی روند تاریخی بانکداری در ایران ما
می توانیم شش دوره را از یکدیگر متمایز کنیم، که سه دوره آن پیش از
ملی شدن صنعت نفت و سه دوره دیگر پس از ۲۸ مرداد قرار می گیرد.
دوره اول بانکداری در ایران از اواسط قرن ۱۹ میلادی آغاز می شود.
پیدایش بانک ها در این زمان منعکس کننده پدیده ای نودر نظام
اقتصادی اجتماعی آن روزگار (دوره قاجار) است^(۲). پیدایش این
نهاد اقتصادی اجتماعی در آن عصر نشان دهنده درجه ای از رشد و تکامل
باررگانی و تولد نظام جدیدی است که در آن بانکها جای صرافی ها
رامی گیرند. وجود چنین نهادی به باررگانی ایران امکان می دهد تا
به نظم نوین آرایش سرمایه بپردازد و جهشی را در فعالیتهای تجاری
بوجود آورد، ولی این نخستین اقدامات بانکی با مشکلاتی مواجه
می گردد، و بانکها در اثر رقابت و فشار فزاینده سرمایه های خارجی،
به ورشکستگی سوق داده می شوند. در واقع تسلط سرمایه های روس و
انگلیس مانعی بر سر راه رشد بانک های بومی قرار می دهد و زمینه
نابودی آنها را فراهم می آورد. مرحله آغازین بانکداری در ایران
با پیدایش سرمایه داری ملی توأم است. در این دوره جوانه های

صنعت جدید شکفته می شود و مراکز آموزشی جدید^(۳) که نشانه ای از نظم نوین فکری است برپا می گردد. نیارمندی های نظام جدید یکی پس از دیگری شکل می گیرد و جامعه کهن را متحول می سازد. بانک ها، در این دوره از تاریخ امکان می یابند به کمک سرمایه های خرد و صنعتگران به نظام اقتصادی ایران رونق بخشند، اما در اثر رقابت سرمایه های بیگانه که در جستجوی مواد خام و بازار هستند بناچار منزوی می شوند.

دومین مرحله بانکداری به پیدایش بانک های خارجی در ایران اختصاص دارد. با پیدایش بانک های انگلیس (بانک شاهی ایران ۱۲۶۸) و روس (بانک استقراضی روس ۱۲۷۰)^(۴) فصل جدیدی از بانکداری آغاز می شود، وفاق تازه ای را برای فعالیت های استعماری و ابزاربانکی آنها می گشاید. صیانت بانکداری بیگانه رنگ خطر عدم ثبات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی را در ایران به صدا در می آورد. بنا بر اساس مدارک موجود بانک شاهی (انگلیس) حدود ۴۰ سال به ضرب سکه و نشر اسکناس و تسلط بر بازار پول کشور، ادامه داده و در تجارت خارجی نقش عمده ای داشته است. تسلط این بانک بر بازار مبادله اعمار خارجی عملاً "صرافان ایرانی را از میدان بدر کرد. در چنین شرایطی صرافان و بانکداران جوان ایرانی اسکان نمی یابند به مقابله و رقابت با چنین شبکه عظیم پولی برخیزند، و ناچار از صحنه فعالیت اقتصادی خارج می شوند.

برای اینکه بیشتر به نقش این بانک ها آشنا شویم لازم است به نوشته پل باران نظری بیا فک کنیم. "بانک های نوینی که بوسیله انگلیس ها در نیمه دوم قرن نوزده در هند، مصر، امریکای لاتین و دیگر نقاط

جهان تاسیس شدند، اعتبارات صنعتی نمی دادند، بلکه در واقع تصفیه خانه های بزرگی بودند که وجوه تجاری را تامین می کردند و این نقطه نظر بارباخواران محلی در حال رقابت بودند. (۵) ازم - گسیختگی اقتصادی - سیاسی ایران که ناشی از نظام عقب مانده خان خانان و تسلط استعماری است با مهاجرت روزافزون بازرگانان به سوی هند و کشورهای همجوار تسریع می شود. مهاجرت بازرگانان فشار و اختناق استبداد داخلی را دوچندان می کند و نارسائی های زندگی را شدت می بخشد. تحجر نظام خان خانان و اختلاف میان دو قدرت استعماری در آن زمان باعث بی ثباتی و ناامنی بیشتر جامعه می شود. فقر و تهی دستی گروه های اجتماعی را بدنبال می آورد و مهاجرت بازرگانان را به کشورهای همسایه ترغیب می کند. در چنین فضایی است که انقلاب مشروطیت آغاز می گردد.

۳- سومین مرحله بانکداری در ایران، در یک فضای سیاسی - اجتماعی ویژه که ناشی از تحولات حاصله در طبقات حاکم است، به ایجاد بانک های دولتی منجر می شود. سیادت اقتصادی - سیاسی تزار ایسم در ایران بر اثر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ پایان می پذیرد و استقرار - انکلیستان در این منطقه از جهان دچار تحول می شود. ناآرامی های اقتصادی - سیاسی در شرایط کنونی نمی تواند نفع و آرامش او را فراهم سازد. استراتژی جدید انگلیس در حول محور دولت نیرومند مرکزی تبلور می یابد و از این طریق می کوشد، سیادت خویش را در کلیه زمینه های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کمال بخشد و حصار را به دور کمپانی هند شرقی بکشد، تا از یک سو در اثر تحول منظم دچار دگرگونی انقلاب شود و از سوی دیگر به بهره کشی منابع عظیم

ثروت هند ادامه دهد. بر اثر این استراتژی، ثبات نسبی جانشین
هرج و مرج اقتصادی - سیاسی در ایران می شود و نهادهای اقتصادی -
اجتماعی بتدریج شکل می گیرند. در چنین شرایط "نسبتاً" باثبات ،
بانک های دولتی بتدریج پای می گیرند. پیدایش بانک های سه
(۱۳۰۴)، ملی (۱۳۰۷)، مرحله نوبنی ارزشدبانکداری در ایران را
منعکس می کند.

جریان جنگ و وضعیت ایران در شهریور ۱۳۲۰ دگرگونی هائمی
در گروه ها و اوضاع اجتماعی کشور بوجود می آورد. دولت و دربار تاحدی
تضعیف می شوند و برعکس مرزهای طبقات اجتماعی بیشتر مشخص
می شود. با تقویت گروه ها و طبقات اجتماعی بانک های خصوصی شکل
می گیرند. این روند رشد بانکی بویژه در دوران حکومت مصدق که
سیاست حمایت از اقتصاد ملی را در پیش می گیرد آشکار است. این
سیاست از یک سو به حمایت از رشد نیروهای درون زامتی بود، و
از سوی دیگر بر محدود کردن سیادت نیروهای بیگانه بویژه بانک
شاهی (انگلیس) استوار بوده است. (۷) (وجود این بانک بشکل اهرمی
اقتصاد کشور را به خدمت متروپل می گیرد). سیاست تشویقی دولت،
به تجارت و صنایع داخلی امکان حرکت و رشد فزاینده ای میدهد.
(۸)
همراه با اوج گیری حرکت اقتصادی، بانک های جدید خصوصاً
پدیدار می گردند. جدول زیر فعالیت های بانک های دولتی و خصوصی
را تا سال ۱۳۳۲ نمایش می دهد.

وضع و موقعیت بانک ها از نظر مالکیت، تاریخ تاسیس و سرمایه

نام بانک	دولتی	تاریخ تاسیس	سرمایه به میلیون ریال
سپه	"	۱۳۰۴	۶۸۵
ملی ایران	"	۱۳۰۷	۲۰۰۰
اعتبارات کشاورزی و توسعه روستائیی	"	۱۳۱۲	۸۲۵۱
رهنسی	"	۱۳۱۷	۳۱۸۰
ساختمان ایران	"	۱۳۳۱	۵۵۰
توسعه صادرات ایران	"	۱۳۳۱	۵۲۰
بازرگانی ایران	خصوصی	۱۳۳۸	۲۵۰
عمران	"	۱۳۳۵	۵۰
صادرات و معادن ایران	"	۱۳۳۱	۳۳۵
تهران	"	۱۳۳۱	۱۵۰
بیمه بازرگانان	"	۱۳۳۱	۱۳۲
پارس	"	۱۳۳۲	۲۰۰

سال های ۱۳۳۲ به بعد از یک دگرگونی در شکل بندی اجتماعی - اقتصادی، بویژه در امور بانکی به سود سرمایه های استعماری سخن می گوید. بانک شاهی پس از یک توقف کوتاه دوباره تجدید سازمان می یابد. در این دوره سرمایه خارجی در ارتباط با اقتصاد ایران از طریق بانک و سرمایه مختلط شکل ویژه ای بخود می گیرد. برای شناخت این جریان به مراحل سه گانه تاریخی رشد بانکی پس از

واژگونی حکومت مصدق می پردازیم. ویژگی مرحله نخست پیدایش بانک های مختلط بابانک های تجاری همراه با بورس بازی زمین و هرج و مرج اعتباری توأم است. ویژگی مرحله بعدی ثبات نسبی امور بانکی باتوجه به نقش بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران است. این بانک سرمایه گذاری در حوزه های سودآور رابعهده می گیرد. در مرحله بعد روند تخصصی شدن روزافزون بانک ها، سرعت می یابد.

سرمایه گذاری ها و سرمایه های مختلط ۵۴ - ۱۳۳۲

دوره اول: فعالیت بانک های مختلط

به دنبال قانون ۱۳۳۴ تضمین و حمایت از سرمایه گذاری های خارجی^(۱۰) و افزایش نرخ بهره از ۱۲ درصد به ۱۴ درصد و ۱۸ درصد، سرمایه گذاران خارجی تشویق می شوند^(۱۱) تا سرمایه های خود را بمنظور تحصیل سودهای مناسب در بانک ها به جریان اندازند. شش بانک مختلط جدید در طول سال ۱۳۳۸ مستقیماً در نتیجه این قانون پدید می آیند. در فاصله سال های ۲۹ - ۱۳۳۷ ده الی دوازده بانک تجاری تاسیس می شوند که هشت بانک دارای سرمایه های مختلط هستند^(۱۲). در پایان همان سال از مجموع ۲۸ بانک، ۸ بانک دولتی، ۷ بانک مختلط یک بانک اعتباری و بقیه با سرمایه های خصوصی بوجود می آیند. این توسعه بانکی نتیجه افزایش هرج و مرج اعتباری است که از بورس - بازی ناشی می گردد و بحران اقتصادی - سیاسی و اجتماعی پدیدال می آورد. مجله تهران اکونومیست می نویسد "علیرغم نرخ بهره پائین (بین ۲ تا ۵ درصد) در کشورهای پیشرفته صنعتی، نرخ بهره در ایران از

۱۲ درصد به ۱۸ درصد به سودبانك هاتركى كرده است. اين امر باعث ورشكستگى باررگانى كوچك شده و " دراصل به بالا بردن سود سرمايه - هاى پرتحرك خارجى كه دربانك ها سرمايه گسذارى كرده اند انجاميده است. (۱۴)

اعتبارات

همانطور كه گفته شد، در طول دوره بانكدارى مختلط فعاليت بانكى برمحموربورس بازى تمرکز يافته بود. هربانك در تلاش يافتن مشتريان بيشتر و بيشتر بود. در اين جريان، اعتبار نقش مهمى را در فقسذان مركزيتى كه بتواند فعاليت بانكى را سازماندهى و برنامه ريزى كند بعهده گرفت. افزايش اعتبارات در رابطه مستقيم با افزايش توليد نفت خام قرارداداشت. افزايش توليد نفت باعث رونق كار و سودآورى - برخى بانك ها شده كه به اعتبار سپرده هاى نفتى به توزيع اعتبارات مى پرداختند. وجود هرج و مرج در اعطاي اعتبار تورم بوجود آورد. اين شرايط ابتداء، به سرمايه پولى بدون تخيير به سرمايه مولدامكان رشد رامى دهد، و سپس شرايط مذكورامكان رشد فوق العاده مصرف كالاهاى تجملى و غير ضرورى و پديد آمدن مشاغل انگلى را فراهم مى آورد.

بارى ير اقتصاددان انگلىسى مى نويسد: در فاصله سال هاى ۴۷ - ۱۳۳۹، شعب بانك هاى ايران از يك هزار به ۴۵۰۰ افزايش مى يابد. فعاليت بانكى در آن دوره بيشتر در كار لاتارى و بخت آزمايى و حوره هاى غيرمولد دورمى زند. بدين ترتيب برخى از بانك هاى كسرم سرمايه به حال ورشكستگى مى افتند، لكن بانك مركزى به مدد منابع^(۱۵) نفتى اين كشور به نجات بانك هاى رويزوال ميشتابد.

بنابه نوشته راد سرشت، اقتصاددان ایرانی در فاصله سال های ۴۰ - ۱۳۳۷، بیش از ۲۲ موسسه مالی خارجی آمریکائی، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیائی، هلندی و بلژیکی حدود ۹ میلیارد دلار در بانک های ایرانی سرمایه گذاری کردند. لازم به تذکر است که بامبلغ مذکور این کشورها توانستند بیش از یک صد میلیارد دلار اعتبارات را در این کشور در اختیار خود گیرند. (۱۶)

در اینجا دگرگونی در روند مذکور را دنبال می کنیم. این شناخت امکان عملکرد نظام سرمایه های مختلط بانکی را مشخص می سازد. روند بانکداری و ایجاد بانک های مختلط در ایران رشد درونزای بانکی را منعکس نمی کنند و در نتیجه نمی تواند پاسخگوی مناسبی برای نیاز توسعه اقتصادی این کشور باشد. پیدایش این پدیده جدید با تحولات در تناسب قوای استعماری توأم است.

بدین ترتیب شرکتهای چندملیتی جدیدی توانسته اند در سرمایه گذاری و سودآوری بجای انحصارات گذشته انگلیسی از سهمی جدی برخوردار شوند. در این دوره سرمایه های داخلی در یک حالت تدافعی و ارم پاشیدگی قرار می گیرد. بازار به عنوان مرکز دادوستد و رابطه با روستاها بتدریج رونق اقتصادی خود را از دست می دهد. رابطه با روستا از طریق بانک عملی می شود و بازار به واردکننده کالاهای لوکس و خارجی محدود می گردد. در نتیجه نفوذ و فعالیت سرمایهای خارجی از طریق بانک های مختلط به تضعیف رشد و سیر تکوینی

نیروهای درونی می انجامد.

چگونه این نظم سرمایه حاصل می شود؟ بانک های مختلط در اصل از ترکیب و همکاری دو بخش سرمایه شکل می گیرند. سرمایه گزاری - های بیگانه (مشارکت کمتر از ۵۰٪ سرمایه خارجی) با سرمایه گزاری های داخلی (سرمایه داخلی با شرکت بیش از ۵۰٪) پیوند می خورد. سرمایه بیگانه از درون برخوردار و تجارت با تاریخ سرمایه داری شکل گرفته و از ترکیب و نیروی تکنولوژی پیشرفته برخوردار است. سرمایه پولسی به سبب پراکندگی و ناتوانی در کار رقابت با سرمایه گذاری های بیگانه به رانده آن تغییر ماهیت می دهد. به این ترتیب سرمایه های پرتحرک خارجی می تواند پیوندی مسلط و ارگانیک با سرمایه بعدی بوجود آورد و مناسبات وابستگی اقتصاد ایران را به بازار جهانی شدت بخشد.

این شرایط در ایران سبب بروز کشمکش هائی میان بانک های خصوصی (ایرانی) با بانک های مختلط می شوند و هر کدام برای یافتن موقعیت در بازار و اقتصاد ایران به رقابت برمی خیزند. برخورد و رقابت میان گروه های بانکی داخلی، چنانکه خواهیم دید بر شدت بحران اقتصادی می افزاید. در اینجا بدکرنمونه هائی از درگیری های پادشده می پردازیم. بنابه گفته تجدد رئیس بانک باررگانی (خصوصی)، پیدایش بانسک های مختلط در اصل یک پدیده غیرقانونی بوده است.^(۱۷) ابتهاج رئیس بانک ایرانیان (خصوصی)، در مجمع عمومی بانک در سال ۱۳۴۰، اظهار می دارد، که بانک های مختلط بشکل شرکت های سهامی به ثبت رسیده اند، و از مزایای شرکت های سهامی برخوردارند. در حالیکه بانک بعنوان واسطه مبادلاتی و باررگانی

نمی تواند قانوناً " بصورت شرکت های سهامی به ثبت برسد. (۱۸)

ایراد مسئولین بانک های خصوصی پیرامون غیرموجه بودن بانک - های مختلط به جایی نرسیده و کوچک ترین تغییر در سیستم بانکی ایران در ارتباط با سرمایه مالی بین المللی حاصل نگردید. انتقادات مذکور تنها در سطح قانون و مقررات داخلی مطرح گردید. لیکن واقعیات به زیان بانک های غیرمختلط جریان داشت و عوام - شرکتهای چندملیتی که در بانک های مختلط سهیم بودند، بطریقی مدافع قوانین کشوری شدند (اماد حقیقت مقررات ایران را در پرا - گذاردند). انتقادات بانک های خصوصی در واقع با تائب احساس خطر سرمایه های کوچک ایرانی از ناحیه شرکت های بزرگ چندملیتی بود.

اصـلاحات

دهه ۴۰ دوره ی اصلاحات در دستگاه دولتی است. این اصلاحات تغییراتی را در دولت، در گروه ها و اقشار اجتماعی بوجود می آورد و سیستم بانکی را پیش از پیش توسعه می دهد. سبب تغییراتی نیز در بخش های اقتصادی می گردد. سرمایه گذاری های جدید دولتی در فعالیت های زیربنائی (جاده، اسکله و فرودگاه) باعث تشویق هر چه بیشتر سرمایه گذاری شرکتهای چندملیتی می گردد. این دگرگونی در سیمای اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و در سطوح مختلف زندگی اثر می گذارد. در سطح بانک ها با پیدایش بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در سال ۱۳۳۸ فعالیت بانکی در زمینه سرمایه گذاری در یک جا متمرکزی شود. هرج و مرج بانکی با سرمایه گذاری شرکتهای

چندملیتی باتوجه به اصلاحات به آرامش نسبی بدل می گردد. در پی تغییرات دردستگاه دولت، عدم ثبات اقتصادی - سیاسی جایش را به شکل موقت رعایت مقررات می دهد، و وام ها و سرمایه گذاری های بانکی نظم و نسق پیدامی کنند. پیدایش بانک مرکزی به عنوان بانک دولتی در سال ۱۳۳۹ سهمی را در تعادل اقتصادی برعهده می گیرد. این بانک با ایجاد و انتشار اسکناس، یا اعطای وام و اعتبار به بانک های اخیرید و اوراق بهادار در بازار نقش مهمی را ایفا می نماید. بانک مرکزی به عنوان مشاور مالی دولت و هم آهنگ کننده سایر بانک ها عمل می کند. و مانع ورشکست شدن بانک های کوچک میشود. با وجود اهمیت بانک مرکزی در دستگاه دولت، بانک توسعه صنعتی از نظر روابط بین المللی و سرمایه گذاری جای ویژه خود را حفظ می کند.

سرمایه گذاری بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران

برای نخستین بار در تاریخ بانکداری ایران، سرمایه گذاری مستقیماً از طریق بانک صورت می گیرد و به لحاظ اهمیتی که بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در زمینه های اقتصادی دارد به اختصار به بررسی آن می پردازیم. در اینجا کوشش می شود از یک سو روابط این بانک با بانک های داخلی مورد بررسی قرار گیرد و از سوی دیگر روابط آن با سرمایه مالی بین المللی که بانی و تشکیل دهنده آن بوده است مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در سال ۱۳۳۸ فعالیتش را با اعتبار گروه های مالی بین المللی و به ویژه بانک جهانی (بانک بین المللی توسعه و ترمیم) آغاز می کند این بانک تحت عنوان شرکت سهامی با ۴۰ درصد سرمایه خارجی

و ۶۰ درصد سرمایه ایرانی (خصوصی و دولتی) به ثبت می رسد.^(۲۰) از این پس نسبت سرمایه خارجی ظاهراً "منفع سرمایه داخلی کاهش می یابد. آخرین گزارش سالانه بانک حاکی است که ۱۳/۵ درصد سرمایه آن متعلق به سرمایه گذاران خارجی و ۸۶/۵ درصد متعلق به سهامداران داخلی است.^(۲۱) برای روشن کردن عملکرد بانک، ابتدا کوشش می شود، به اختصار نقش بانک جهانی به مثابه معرف و گروه پایه گذار خارجی بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران مورد بررسی قرار گرفته و سپس فعالیت بانک یادشده در ارتباط با بیست گروه مالی بزرگ جهانی، شرکت کننده در تاسیس بانک (به عنوان نمونه "تراست چیس مانهاتان")، بررسی گردد.^(۲۲)

ادامه دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زیرنویس های مقاله "سیر تحول بانکداری در ایران" در پایان این مقاله خواهد آمد